

## پیامی به انصار ایرانی امام مهدی علیه السلام

سلام علیکم ورحمة الله و بركاته. خداوند همه انصار امام مهدی علیه السلام را زنده بدارد، در مشرق زمین، ایران عزیز، کشور امام رضا علیه السلام، عید شما مبارک باشد و همواره در خیر و عافیت باشید. از خداوند خواستارم تا سال پیش‌رو را بهترین سال شما قرار داده و هر خیری را روزی‌تان کند و شما را از هر شری به دور بدارد و شما را جزو بهره‌مندترین بندگان خود قرار دهد و نام شما را در شمار شیعیان مهدی و مهدیین علیهم السلام بنویسد و دین و اولیای خود را با شما پیروز گرداند، با فضل و منتش؛ او ارحم الراحمین است.

بخشی از سخنرانی دکتر علاء سالم، نوروز ۱۴۰۱، گروه فراخوان مهدوی



مهدیین دوازده‌گانه از اولاد امام مهدی علیه السلام، در نگاه علما و محققان مهدویت

قسمت ششم (آخر)

سید احمد الحسن را این‌گونه شناختم

به قلم شیخ ناظم عقیلی؛ قسمت پنجم (آخر)

دیکتاتوری؛ بحث این روزهای مردم ایران!

سلسله پاسخی به بدعت ۱۰۱ یوحنا دمشقی

قسمت دوازدهم

## سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه‌سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولدشده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده‌اند و نیز فرستاده‌ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به‌دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت‌های الهی احتجاج می‌کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده‌اند و نام مبارک احمد به‌عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.

۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده‌اند.

۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه‌ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن‌ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام‌اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان‌آوردگان است.»

# سید احمد الحسن

## فهرست

سید احمد الحسن را این گونه شناختم..... ۳

دیکتاتوری بحث این روزهای مردم ایران..... ۱۰

مهدیین دوازده گانه از اولاد امام مهدی علیه السلام، در نگاه علما و محققان  
مهدویت اقسامت ششم (آخر)..... ۱۴

سلسله پاسخهایی به بدعت ۱۰۱ یوحنا دمشقی اقسامت  
دوازدهم..... ۱۸



### هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۴۸، جمعه ۴ فروردین ۱۴۰۲،  
۲ رمضان ۱۴۴۴، ۲۴ مارس ۲۰۲۳  
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:

[WWW.VARESin.ORG](http://WWW.VARESin.ORG)

[WWW.ALMAHDYOON.CO](http://WWW.ALMAHDYOON.CO)



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات  
سازنده شما عزیزان است.

السلامة علیکم وعلیٰ آله وعلیٰ صحبه وعلیٰ من تبعهم  
بإحسان

# سید احمد الحسن را این‌گونه شناختم

به قلم: شیخ ناظم عقیلی

ا قسمت پنجم (آخر)  
(برای مطالعه قسمت چهارم از مجموعه خاطرات «او را این‌گونه شناختم» به قلم شیخ ناظم عقیلی به هفته‌نامه شماره ۱۴۷ مراجعه کنید).

## او را این‌گونه شناختم:

بسیار متواضع است، من سال‌ها با او زندگی کرده‌ام. در میان ما، مانند یکی از ما بود، بلکه در بسیاری از اوقات به ما خدمت می‌کرد. در خوراک و پوشاک و نشستن تفاوتی با ما نداشت، و بلکه پوشش و لباس ما از لباس او بهتر بود و به هر مکانی که می‌خواستیم وارد شویم یا سوار اتومبیل شویم، هنگام ورود ما را مقدم می‌کرد، و نمی‌پذیرفت کسی ایشان را بر دیگران مقدم کند. همیشه می‌گفت: «من برادر شما و خدمتکار شما هستم و همه ما به سوی رضایت خداوند بلندمرتبه حرکت می‌کنیم. من آمده‌ام تا شما را از بت‌پرستی بیرون بیاورم، پس از من بت نسازید.»



هنگامی که برخی از انصار با ایشان به شکل خاص و ویژه رفتار می کردند و در هنگام سلام کردن و دست دادن و مانند این ها، بین ایشان و دیگر انصار فرق می گذاشتند، ایشان بسیار ناراحت می شد.

**همچنین همواره می گفت: علامت و نشانه، شما را از هدف و نهایتی که آن علامت بدان اشاره دارد، باز ندارد. امامان و حجت ها نشانه هایی در مسیر هدایت و حق هستند؛ پس وسعت دیدتان را به نشانه محدود نکنید [که با این کار] در حق آن نشانه نیز ظلم می کنید.**

پوشش و لباس سید احمد الحسن و نشست و برخاست او ساده بود. به نشستن بر روی خاک و سجده بر آن مأنوس بود و اگر آن را می یافت، آن را رزقی از جانب خدا می دانست و اگر لباسش یا عبايش پاره می شد می فرمود: «الحمد لله الذي رزقنا الاقتداء بأمر المؤمنين: سپاس مخصوص خدایی است که اقتدا به امیر المؤمنین را روزی ما نمود.»

**و ما بیشتر این سال ها را همراه او در سفر بین استان های عراق، برای تبلیغ و معرفی دعوت یمانی گذرانیدیم، و او در همه سفرهایمان به ما خدمت می کرد.** هرگاه ماشین خراب می شد، او زیر ماشین به روی خاک می رفت و به روغن و امثال آن آلوده می شد، سال ها در نهایت خوش خلقی و بدون هیچ گونه ابزار ناراحتی، این کار را انجام می داد. در شستن ظروف پس از اتمام غذا خوردن، با انصار همراهی می کرد؛ همچنین اگر در یکی از حسینیه ها بودیم، در تهیه و تدارک غذا، به انصار کمک می کرد.

و همیشه این کلام پیامبر خدا عیسی علیه السلام جلوه گر می شد:

«با تواضع حکمت ساخته می شود، نه با تکبر...» و نیز «در زمین نرم گیاه می روید، نه در کوه». نسبت به مبارزه با منیت به ما سفارش می کرد و می گفت: «خداوند قدوس است و تنها شخص قدوس به او نزدیک می شود؛ پس مقدس شوید تا خداوند به شما نزدیک شود.»

همراه او و از طریق او حقیقت تواضع و حقیقت دین را دانستیم؛ از او یاد گرفتیم که انسان هرچقدر به خودش نظر کرده و به خود مشغول شود و دچار عجب شود، نزد خداوند مقامش پایین می آید؛ تا جایی که به مرتبه ابلیس ملعون می رسد که گفت «من از او بهترم».



می گفت کسی که می خواهد حقیقتاً و به راستی از انصار امام مهدی باشد پس باید مصداق این آیه باشد:

(تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)

(این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است). [۱]

یعنی در ذهن آن ها نیز خطور نکند که آن ها برتری جویی در زمین را می خواهند و در رابطه با آن با خودشان نیز صحبت نکنند و به آن میل و رغبت نداشته باشند؛ یعنی نه تنها برای برتری در زمین و فساد تلاش نمی کنند، بلکه به ذهن هیچ یک از آن ها نیز خطور نمی کند که او از یکی از برادرانش برتر است، هرچقدر هم که ظاهرش ساده باشد.

می گفت کسی که مؤمن ساده ای را کوچک بشمارد و

کسی که نیازمندی را کوچک بشمارد همانا احمدالحسن را تحقیر کرده و کوچک شمرده است. همیشه می‌گفت: «بزرگ‌ترین دشمن انسان نفسی است که بین دو پهلوی او وجود دارد.»

احمدالحسن در حقیقت مدرسه بسیار بزرگی در هر چیزی بود و میزان زشتی و انحطاط روش‌های تکبر و برتری‌جویی را که رسم رایج در بیشتر مؤسسات دینی است، از او یاد گرفتیم؛ از قبیل بوسیدن دست‌ها و برتری‌جویی و ستم بر مردم و بلند گذاشتن ریش و بزرگ کردن عمامه‌ها؛ پس می‌بینی عرف رایج این است که شخص هرچقدر گمان کند در علم پیشروی کرده ریش او درازتر شده و عمامه‌اش بزرگ‌تر می‌شود؛ بلکه حتی نعلین‌ها نیز تغییر می‌کند و نعلین زرد به پا می‌کند و این نعلین زرد یعنی اینکه او مجتهد شده است! وای بر این چنین اجتهادی که نعلین نشانه آن است!

در روزی از روزها یکی از مدعیان اجتهاد در نجف اشرف توجهم را به خود جلب کرد. آنجا که در صحن امیرالمؤمنین ایستاده بودم و این مجتهد آمد و یکی از پیروانش نیز پشت سر او بود. هنگامی که به محل درآوردن کفش‌ها رسید نعلین زردش را رها کرد، بدون آنکه آن را به کفش‌داری تحویل دهد و وظیفه شخصی که پشت سر او راه می‌رفت این بود که نعلین زرد او را برداشته و به مسئول کفش‌داری دهد و هنگامی که این مرجع خارج می‌شود، این شخص جلو رفته و آن نعلین زرد را برای او می‌آورد؛ پس از چنین راه و روش فرعون‌ای که از مسیر اهل بیت، و مسیر تواضع و سادگی و از خودگذشتگی، منحرف است بدم آمد.

اما افرادی که اکنون ادعای مرجعیت عالی (تراز اول) دارند، می‌بینی که مردم مثل گردانی از سربازان ساعت‌ها می‌ایستند در انتظار اینکه نوبت به آن‌ها برسد، فقط برای اینکه دست این مرجع را ببوسند!

و این مرجع را می‌بینیم که دستش را بالا می‌آورد و در بسیاری از اوقات به فرد کناری‌اش توجه کرده و با او صحبت می‌کند، و در این حال، مردم دستش را بوسیده و می‌روند در حالی که او حتی به آن‌ها نگاه هم نمی‌کند؛ و این چیزی است که من به چشم خود دیدم و خدا بر آنچه می‌گویم گواه است.

در حالی که این مراجع، روایاتی را که در نهی از دست‌بوسی از اهل بیت رسیده، می‌خوانند:

صاحب سابری گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و دستشان را گرفتم و بوسیدم حضرت فرمود: «آگاه باش که این جز برای نبی یا وصی نبی شایسته نیست.» [۲]  
از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: «نباید شخصی دست شخص دیگری را ببوسد؛ زیرا بوسیدن دستش، همانند نماز گزاردن بر اوست.» [۳]  
این‌ها گمان نمی‌کنند شخصی از آن‌ها برتر باشد و به همین خاطر دستانشان را برای بوسیدن در برابر همه مردم قرار می‌دهند؛ وگرنه چنانچه گمان می‌کردند که شاید در میان افرادی که دست آن‌ها را می‌بوسند فردی وجود دارد که از آن‌ها برتر بوده و به خدا نزدیک‌تر است، در این صورت چگونه می‌پذیرند که چنین شخصی دست آن‌ها را ببوسد؟!

و این بسیار از اخلاق آل محمد و آنچه شیعیان و دوستدارانشان را با آن تربیت کرده‌اند، به دور است.



خدا به شهید صدر خیر دهد که زشتی این بدعت را به روشن ترین نحو بیان کرد و همه عذرهای واهی برای توجیه این بدعت را تمام کرد؛ آنگاه که در یکی از خطبه‌ها یا فایل‌های صوتی‌اش کلامی گفت که مضمون آن چنین است: «کسی که دستش بوسیده شود شیطان است؛ چه بداند و چه نداند.» همچنین کلامی گفت که مضمون آن چنین است: «من در حوزه و جامعه غریب بودم؛ چرا که دستم را برای بوسیدن، جلو نمی‌گذاشتم؛ اما ان شاء الله روزی خواهد رسید که در آن، کسی که دستش بوسیده شود غریب و مطرود خواهد بود.»

آری؛ ان شاء الله این روز بسیار نزدیک است. دین محمد و آل محمد علیهم‌السلام بدون بدعت یا تحریف، تر و تازه بازمی‌گردد؛ پس فجر صادق طلوع کرده و ما منتظر طلوع خورشید هستیم. خداوند بلندمرتبه می‌فرماید:

(... وعده آنان صبحگاهان است؛ آیا صبح نزدیک نیست؟! [۴])

بله، نزدیک است و بسیار نزدیک است و دل‌های ما مشتاق این صبحی است که روشنی چشم پرهیزکاران منتظر است و کسی که آن را دور می‌شمارد تشکیک‌کنندگان دارای شک هستند؛ خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: (آن‌ها آن را دور می‌بینند و ما آن را نزدیک می‌بینیم). [۵]



سید احمد الحسن بر نادیده گرفتن ذات و مبارزه با نفس و ذوب شدن در محبت خداوند و شناختن او و اولیای او، تأکید بسیاری می‌کرد؛ بلکه همیشه بر این تأکید می‌کرد که هدف انسان از اطاعت، بهشت و در امان ماندن از آتش جهنم نباشد؛ بلکه انسان باید خداوند را بدین خاطر عبادت کند که او سزاوار عبادت است؛ چنان که از امیرالمؤمنین نقل شده است. پس کسی که نفسش و هوای نفسش را گشت می‌تواند حقیقتاً در ملکوت خداوند و جایگاه متقین وارد شود؛ اما کسی که به نگاه به نفس خودش مشغول باشد، به میزان این مشغولیت از پروردگارش غافل است.

همیشه می‌فرمود: «ما چه کسی هستیم که [بخواهیم] برای خودمان فضیلت یا مقام یا برتری بر دیگران به شمار آوریم، وقتی امیرالمؤمنین و سید الموحدين درباره خودش می‌گوید: پروردگارا! همانا بر نفس خودم در توجه به آن، ستم کردم، پس وای بر نفس من، اگر آن را نیامرزی.»

پس ما چه کسی هستیم تا به خود مغرور شده و به نگاه به نفس یا عجب مشغول شویم یا اینکه این‌گونه



است. بدانید که طلب علم بر شما از طلب مال لازم‌تر است؛ زیرا مال برای شما قسمت و تضمین شده است. عادل‌ی (که خداست) آن را بین شما قسمت کرده و تضمین نموده و به شما می‌رساند؛ ولی علم نزد اهلش نگه داشته شده و شما مأمورید آن را از اهلش طلب کنید؛ پس آن را طلب کنید.»

از او این‌گونه یاد گرفتیم که هرکس بین خودش و خداوند را اصلاح کند، خداوند همهٔ امور او را برعهده می‌گیرد و برای او از هر تنگنایی راه برون‌رفت و گشایشی قرار می‌دهد و از جایی که گمان نمی‌کند به او روزی می‌دهد؛



ببینیم که حقی از حقوق خداوند بر خودمان را ادا کرده‌ایم. برای ما شایسته است از وجودمان حیا کرده و خجالت بکشیم و نسبت به تقصیرمان در حق خداوند بلندمرتبه و شکر نعمت‌های بی‌شمار او بر ما، از روی حسرت و پشیمانی دستمان را بگرییم.

در هر حال، تا بدین جا سر قلم شکست. این عرصه‌ای است که هرچقدر در آن نوشته شود به انتهایش نمی‌رسد و نمی‌توانم مشت‌ی از خروار را توصیف کنم. من نمی‌توانم تواضع این بندهٔ با عظمت را توصیف کنم مگر به وسیله آن چیزی که از او شناخته و چگونه می‌توانم او را بشناسم و چگونه ثریا شناخته شود و از کجا چنین چیزی برای من باشد. انبوهی از کلمات و تعبیر در خاطر می‌آید و در ترتیب آن‌ها سردرگم می‌شوم تا آنجا که می‌بینم نمی‌توانم چیزی بنویسم.

اما شاید بتوانیم چیزی از حقیقت را بفهمیم، هنگامی که از او می‌شنویم که دربارهٔ خودش چنین می‌گوید: «من خودم را تنها گناهی در نزد پروردگارم می‌بینم.» و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

## او را این‌گونه شناختم:

همان‌گونه که خداوند بلندمرتبه فرمود: (... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ) ( ... و هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند \* و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هرکس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است. [۶]

و رزق و روزی پاک همان چیزی است که با اطاعت خداوند و در اطاعت خداوند و برای اطاعت خداوند است؛ یعنی طلب رزق و روزی نیز باید برای طاعت خداوند و به‌جا آوردن چیزی باشد که او بر ما واجب نموده است؛ از قبیل یاری دین و کمک به فقرا و نیازمندان و برطرف‌ساختن نیازهای ضروری خانواده و بستگان؛ نه اینکه به مال‌اندوزی و دنیا و مقام حرص وجود داشته باشد. قلب ظرفی است که در آن واحد گنجایش دو چیز را ندارد، یا حب خداوند یا حب به دنیا. ما آفریده نشده‌ایم که دنیا و زینت آن، ما را به خود مشغول کند و با سگ‌های وحشی آن درگیر شویم.

**نسبت به دنیا و زینت آن، زاهد و روی‌گردان است و هرگز برای آن ارزشی قائل نیست.** روی‌گردان است، نه مانند زاهدان دروغین که در برابر مردم به زهد تظاهر کرده اما دل‌هایشان آکنده از حب دنیا و ریاست و مقام و منصب و فخرفروشی است؛ بلکه زهد او مانند پدران پاکش است، چه در گفتار و چه در رفتار. از نشانه‌های برتری‌جویی و فخرفروشی متنفر است. با تواضع و سادگی و قناعت خو گرفته است. خانه‌ای ندارد که خودش یا خانواده‌اش در آن پناه بگیرند و اتومبیلی ندارد که او را جابه‌جا کند و نیازهایش را به وسیلهٔ آن برطرف کند و ندارد... و ندارد... و ندارد... گویی او در این دنیا مهمان است و به‌زودی رهسپار می‌شود. با این حال، هنگامی که او را می‌بینی او را بی‌نیازترین و عزیزترین فرد می‌یابی. در هر چیزی بر خداوند بلندمرتبه توکل می‌کند. همهٔ تلاشش را در طاعت خداوند بلندمرتبه و اصلاح امور مردم و زنده کردن سنت‌ها و از بین بردن بدعت‌ها صرف می‌کند.

**اما از لحاظ رزق و روزی دنیایی، این کلام امیرالمؤمنین بر او تطبیق پیدا می‌کند:**

«ای مردم، بدانید کمال دین طلب علم و عمل به آن



دست به دعا بردار! گفتم دعای غریق چگونه است؟ فرمود: می‌گویی: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک.» و من هم گفتم: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب و الابصار ثبت قلبی علی دینک.» امام فرمود: خدای تعالی مقلب القلوب و الابصار است و لیکن همچنان که من گفتم بگو: «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک.» [۱۳]

اهل بیت در این حدیث و دیگر احادیث تصریح می‌کنند که تنها راه نجات مردم از فتنه‌های آخرالزمان رجوع به خداوند بلندمرتبه و تمسک به او و طلب هدایت از اوست و امروز فقهای سوء را می‌بینیم که این‌گونه به مردم القا کرده و می‌گویند که ما راه نجات هستیم و مردم تا زمانی که به فقها متمسک باشند، در خیر و برحق هستند! انگار که فقها اصحاب وحی هستند و چیزی به این زمین نازل نمی‌شود و به آسمان بالا نمی‌رود مگر از طریق آن‌ها! این در حالی است که اگر به اهل بیت مراجعه کنیم و از آن‌ها درباره فقهای آخرالزمان بپرسیم، پاسخ را این‌گونه می‌یابیم:

محمد بن مسلم می‌گوید مردی از امام صادق علیه السلام پرسید چه موقع قائم‌تان ظهور می‌کند؟ فرمود: «هنگامی که گمراهی بسیار و هدایت اندک و ستم و فساد فراوان و صلاح و استواری کم شود، و هنگامی که مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا کنند و فقیهان به دنیا متمایل گردند و شاعران و شعرها در مردم فراوان شود ... در این هنگام به نام قائم علیه السلام در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان فریاد بلند شود و حضرت در روز عاشورا، قیام فرماید. گویی او را می‌بینم که بین رکن و مقام ایستاده است و جبرئیل در پیشگاهش ندا می‌دهد: "البیعة لله: بیعت فقط از آن خداوند است" \* و شیعیانش به سوی او رو می‌کنند.» [۱۴]

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی بر امت من خواهد رسید که از قرآن نمی‌ماند مگر رسم و نوشتنش، و از اسلام نمی‌ماند مگر نامش، که خود را به آن بنمایانند و اسلام‌گرا نامند، ولی آنان دورترین مردمان از اسلام هستند. مساجد ایشان آباد است ولی از هدایت خراب و ویران است. فقیهان آن زمان بدترین فقیهان زیر آسمان هستند؛ چرا که از آن‌ها فتنه برخیزد و به سویشان بازخواهد گشت.» [۱۵] از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «در آخرالزمان از قومی تبعیت خواهد شد که گروهی از آن‌ها ریاکارند و به عبادت و زهد می‌پردازند. بدعت‌گذارانی سفیه‌اند که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند مگر وقتی که از ضرر و خطر ایمن باشند. برای فرار از تکلیف به دنبال بهانه و راه‌گریزی می‌گردند. از لغزش و فساد عالمان پیروی می‌کنند...» [۱۶]

رسول خدا صلی الله علیه و آله از خدای سبحان و بلندمرتبه در معراج پرسید: «خداوند! پس آن، چه وقت خواهد بود (قیام

همیشه توصیف امیرالمؤمنین از دنیا، در او نمود پیدا می‌کرد که فرمود:

- «دنیا مردار است و طلب‌کنندگان آن سگ‌ها هستند. از هرکسی که چیزی از آن را بخواهد باید بر هم‌زیستی با سگان صبر کند.» [۷]

- «به خدا سوگند این دنیای شما پیش چشم من از استخوان خوک در دست فرد جذامی پست‌تر است.» [۸] و همیشه با درد و حسرت این کلام خداوند بلندمرتبه به هم‌صحبت خود موسی بن عمران را تکرار می‌کرد:

«امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند در مناجات با موسی فرمود: ای موسی هرگاه دیدی که فقر به تو روی آورده، بگو عرض خوشامد به نماد صالحان؛ و هرگاه دیدی ثروت و بی‌نیازی به تو روی آورده، بگو گناهی است که در عقوبت آن تعجیل صورت گرفته است.» [۹]

و همیشه به یاد می‌آورد سخن پیامبر خدا عیسی علیه السلام در او نمود پیدا می‌کرد:

«خوابیدن بر روی زباله‌ها و خوردن نان جو [چنان‌چه] با سلامت دین [همراه باشد] بسیار [و ارزشمند] است.» [۱۰]

بله مولای من، چنین چیزی در زمان کنونی بسیار زیاد [و غنیمت] است اگر با سلامت دین و عقیده همراه باشد. این آن چیزی است که از تو آموختیم ای فرزند پاکان، و از خداوند بلندمرتبه می‌خواهیم که اطاعت از خودش و زهد در این دنیا را روزی ما گرداند و ما را از اهالی آخرالزمان قرار ندهد؛ کسانی که عالم را تنها با لباس نیکو و برتری جویی و غرور می‌شناسند، همان‌گونه که از پیامبر محمد صلی الله علیه و آله وارد شده است:

- «زمانی بر امت من فرا رسد که علما را تنها به لباس و ظاهری نیکو می‌شناسند [و نه علم و فضیلت] و قرآن را فقط با تلاوت زیبای آن می‌شناسند، و خداوند را عبادت نمی‌کنند، مگر در ماه رمضان. اگر چنین بود خداوند سلطانی را بر آنان مسلط می‌کند که علم و حلم و رحم ندارد.» [۱۱]

- «زمانی برای مردم پیش آید که برای طمع دنیا باطنشان پلید و ظاهرشان زیبا باشد، و از ظاهر خویش ثواب خدا را مقصود نداشته باشند، دینشان ریا باشد و ترس از خدا با آن‌ها آمیخته نشده باشد. خدا آن‌ها را مجازاتی همگانی کند؛ سپس با دعای غریق، دعا کنند و خدا مستجاب نکند.» [۱۲]

آری دعای غریق. این دعایی است که اهل بیت علیهم السلام به خواندن آن در هنگام ظاهر شدن فتنه‌ها در آخرالزمان سفارش نموده و [فرموده‌اند] راه خلاصی از فتنه‌هاست: عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «به زودی شبهه‌ای به شما می‌رسد که در آن نه نشانه آشکار دارید و نه پیشوای هدایت؛ و کسی از آن شبهه نجات نمی‌یابد مگر آن‌که مانند فردی که در شرف غرق شدن است،

قائم؟) خداوند عزوجل وحی فرمود: آن، زمانی خواهد بود که علم برداشته شود و جهل ظاهر شود و قرائت‌کنندگان زیاد شوند و عمل‌کنندگان کم گردند و فقر زیاد شود و علمای هدایت‌کننده کم و فقهای گمراه‌کننده خیانت‌کار، زیاد گردند.» [۱۷]

مفضل می‌گوید: از امام صادق شنیدم که فرمود: «هرگاه قائم ما قیام کند با دروغ‌گویان شیعه شروع کرده و آن‌ها را به قتل می‌رساند.» [۱۸]

ابی‌جارود از امام باقر علیه السلام سؤال کرد چه زمانی قائم شما به پا می‌خیزد؟ فرمود: «ای ابا‌جارود، زمانش را درک نمی‌کنید.» پس گفت اهل زمانش را چطور؟ فرمود: «اهل زمانش را هم درک نمی‌کنید. قائم به پا می‌خیزد بعد از ناامیدی شیعیان؛ مردم را سه بار دعوت می‌کند اما کسی جوابش را نمی‌دهد؛ تا اینکه در روز چهارم دست بر دیوار کعبه می‌گذارد و می‌گوید خدایا یاری‌ام کن و دعایش رد نمی‌شود. خداوند نیز به ملائکه‌ای که رسول‌الله صلی الله علیه و آله را در روز بدر یاری کردند دستور می‌دهد مهدی علیه السلام را یاری کنند و آن‌ها که تا آن زمان هنوز آماده‌باش بوده و زین اسب‌ها و سلاح‌های خود را زمین نگذاشته‌اند با حضرت بیعت می‌کنند؛ سپس ۳۱۳ مرد با حضرت بیعت می‌کنند و حضرت به مدینه رفته و مردم نیز همراه حضرت به مدینه می‌روند...» [۱۹]

و روایات بسیار دیگری که در این مجال مختصر نمی‌گنجد.

**در پایان می‌گوییم:** این مطالب، کم از بسیار است. از مطالبی که به سبب آن سید احمد الحسن را شناختم و به سرعت و با عجله آن را نوشتم، در پیشگاه خداوند و رسول او و اهل بیت از تقصیر خویش عذرخواهی می‌کنم؛ اما امیدوارم در آینده موفق شوم سیره و تاریخچه دعوت مبارک یمانی را بنویسم و در آن تلاش می‌کنم هر آنچه را که از ابتدای دعوت تا به امروز فهمیده و با آن زیسته‌ام، گردآوری کنم.

والحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد واله الأئمة والمهدیین، واللعن الدائم علی أعدائهم إلی یوم الدین.

شیخ ناظم عقلی  
۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۳۱ ق  
پایان

#### پانویس:

۱. قصص، ۸۳.
۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۷.
۳. تحف العقول، ص ۳۳۴.
۴. هود، ۸۱.
۵. معارج، ۶ و ۷.

۶. طلاق، ۲ و ۳.
۷. شرح احقاق حق، ج ۳۲، ص ۲۳۷.
۸. نهج البلاغه، ج ۴، ص ۵۲.
۹. کافی، ج ۲، ص ۲۶۳.
۱۰. معانی الاخبار، ص ۳۴۱.
۱۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۵۴.
۱۲. کافی، ج ۲، ص ۲۹۶.
۱۳. کمال‌الدین، ص ۳۵۲.
۱۴. معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۴۹۰.
۱۵. کافی، ج ۸، ص ۳۰۷.
۱۶. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰.
۱۷. کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۲۵۱.
۱۸. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۸۹.
۱۹. دلائل الامامه، صفحه ۴۵۵.



## دیکتاتوری، بحث این روزهای مردم ایران

# وکالت دادن به چهره‌های سیاسی یا اعتماد به منتخب خدا

### به قلم: محمد شاکری

به حاکم، در شکنجه و قتل شبیه عیسی علیه السلام مشاهده کرد. حال اگر این علمای به ظاهر دین دار، خود متولی امر حکومت می شدند دستشان بر آزار و قتل پیروان عیسی مسیح علیه السلام بازتر و راحت تر بود. آنچه برای امام علی علیه السلام و همسرش فاطمه زهرا علیها السلام اتفاق افتاد یا آنچه با فتوای علمای فاسد و فریب مسلمان نماها برای امام حسین علیه السلام و اصحابش اتفاق افتاد گواه این مطلب است؛ همچنین از بی توجهی و غفلت بسیاری از مسلمان ها، سالیان زیادی، حکومت اسلامی به جای اینکه در اختیار ائمه معصومین علیهم السلام باشد در اختیار خلفای فاسد و ظالمی بوده است که به نام دین و اسلام بر مسلمان ها حکومت کرده اند.

اما شاید آنچه از همه این زمان ها اهمیت بیشتری دارد، توجه مردم به آخرالزمان و اتفاقات عصر ظهور است. مطابق آنچه از روایات وارد شده است دین داری در آخرالزمان از همه زمان های قبل سخت تر است؛ تا جایی که شبیه شده است به کسی که آتش در دست دارد یا بر گیاهی پر از تیغ دست می کشد. شاید رشد علمی و فرهنگی جوامع بشری و رشد روزافزون شبهات وارده بر دین و تبلیغات مسموم دنیاگرایی در عصر جدید و از طرفی دوری مردم از امام مهدی علیه السلام در زمان غیبت باعث این سختی شدید شده است. آنچه امروزه در زمان ما در حال وقوع است مخصوصاً حوادث اخیر که در ایران و بین مردم موافق و مخالف حکومت در جریان است، شاهدهی ارزشمند بر آن چیزی است که اهل بیت علیهم السلام از آن خبر داده اند، و در واقع بررسی دقیق این ماجراها و وجه اختلاف مردم در این بین، ما را به تصدیق پیامبر و اهل بیت پاکش وامی دارد که در آن زمان از چگونگی این اختلافات خبر داده اند.

### خطر بی توجهی به دعوت یمانی

امر خداوند متعال از ابتدا بر این بنا شده است که جانشینی بر زمین قرار دهد و دیگران را فرمان داده است تا از او اطاعت کنند. در هر زمانی و به هنگام معرفی هریک از جانشینان خداوند، کسانی بوده اند که به این انتخاب، بی توجهی کرده و به هر دلیلی از آن روی گردان شدند؛ همان طور که در معرفی حضرت آدم علیه السلام، ابلیس به مخالفت برخاست. از بی توجهی و غفلت تا مخالفت و عناد با این جانشینان، آنچه عاید مردم و دین شده است ضرر و زیان هایی بوده که تا مدت های مدیدی گریبان آن ها را گرفته است. مروری حتی گذرا به تاریخ، خطر این بی توجهی و غفلت ها را به خوبی نشان می دهد؛ تا جایی که مشاهده می شود از غفلت مردم و حمایت نکردنشان از پیامبران الهی، حکومت در زمین در غالب زمان ها به دست حاکمان فاسد و ظالم بوده است و پیامبران و مؤمنین به ایشان در اقلیت و مورد ظلم و ستم بوده اند. حکومت های باطل که دست حجت های الهی را از حکومت کوتاه کرده اند، منحصر در حکومت های غیردینی نیست؛ بلکه به گواه تاریخ در بسیاری از زمان ها، حکومت های دینی ای نقش داشته اند که به اسم خدا و اسم پیامبران توسط افراد ناشایست تشکیل و از سمت متدینین حمایت شدند. عالمان دینی که خود را تابع یکی از پیامبران الهی می دانستند با حمایت مردم و مقلدین جاهل و غافل به صورت مستقیم یا به صورت غیرمستقیم در حکومت زمان نقش داشته و به مخالفت با حجت های الهی برخاستند و در موارد متعددی باعث قتل انبیای الهی و آزار مؤمنین به ایشان می شدند. نمونه آن را می توان در اصرار علمای یهود

آنچه لازم و بایسته است که مردم معتقد به دین و مذهب و دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام در این زمان توجه کنند این است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هزار و اندی سال پیش نه‌تنها به این رخدادها خبر و هشدار داده است، بلکه نماینده و جانشین خویش و منت‌خب خداوند متعال در این زمان را مشخص فرموده و در وصیت مبارک شب وفات خود نام وی را بیان کرده است.

امروز شاهدیم بسیاری از مردمی که سالیان زیادی از عمر خودشان و اجداد آن‌ها در تبعیت از اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام گذشته است، اعتقادات خود را منکر یا نادیده انگاشته و در پی دوقطبی شدن مردم و در مقابل هم قرار گرفتن هم، به‌دنبال کسانی می‌روند که سالیان گذشته پدرانشان آن‌ها را از حکومت خلع کرده‌اند و با تبلیغات و فعالیت‌های رسانه‌ای به‌دنبال وکالت‌دادن به برخی از چهره‌های سیاسی هستند.

**در روایت مهم یمانی از  
زبان ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌شنویم  
که مخالفت با یمانی جایز نبوده و باعث  
جهنمی شدن انسان خواهد شد. این بدین  
معناست که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام هیچ‌گاه  
پیروانشان را در دوران سخت امروزی تنها نگذاشته و  
شخص معصومی را به سمت مردم می‌فرستند تا در این  
روزگار سخت و پُرحیله و کیل و رهبر و راهنمای آنان باشد؛  
در نتیجه روشن است اگر مدعیان دین‌داری به این  
شخص بی‌توجهی کرده و از روی غفلت او را یاری نکنند  
چه عواقب خطرناکی گریبان دین و همه مسلمانان را  
خواهد گرفت و خدا می‌داند که چند سال حرکت  
اصلاحی امام مهدی علیه‌السلام به فرماندهی وصی  
و فرستاده ایشان به تعویق بیفتد.**

خداوند متعال هیچ‌گاه در صدد دیکتاتوری نبوده و بدون خواست و رضایت مردم بر حکومتی غالب نشده است. در تاریخ انبیای الهی سراغ نداریم که خداوند با قدرت خویش و بدون انتخاب و رضایت غالب مردم به جانشینانش حکومت داده باشد و با قهر و اجبار، ایشان را بر مردم حاکم کرده باشد. نمونه نزدیک آن را در تاریخ ائمه معصومین علیهم‌السلام مشاهده می‌کنیم. امام علی علیه‌السلام هیچ‌گاه برای رسیدن به حکومت دست به شمشیر نبرد، مگر اینکه در صدد هدایت فکری مردم بوده باشد تا خودشان به این هدف دست بزنند. او ارزش حکومت بر مردم را از آب بینی یک بز کمتر دانسته و کمترین اشتیاقی به آن نشان نمی‌داده است. حتی زمانی که به حکومت می‌رسد برای حفظ و بقای حکومت خویش دست به هر عمل و حيله‌ای به اسم مصلحت نمی‌زند و آنچه را بر خود لازم و حتمی می‌داند این است که مطابق دستورات

## پیروی از خلیفه خداوند در جهت دیکتاتوری است

### یا خلاف آن؟

یکی از مسائل مهمی که امروزه بین مردم ایران مورد بحث و اختلاف است و از ناحیه آن، دست به اعتراضات و حرکت‌های میدانی می‌زنند مسئله دیکتاتوری در حکومت است. این مسئله تا جایی اهمیت دارد که حتی مخالفین حکومت ایران که حکومت را متهم به دیکتاتوری می‌کنند خود در رابطه با رهبران و وکلای مورد بحثشان به اختلاف پرداخته و از ترس تشکیل دیکتاتوری جدید بر شخص واحدی اجماع نمی‌کنند.

طرح این بحث از این جهت اهمیت داشته و دارد که انسان‌ها مخصوصاً کسانی که دین و خداوند را منشأ دیکتاتوری می‌دانند بدانند و متوجه باشند که

باعث مقاومت ایشان و شهادت ایشان شد. با اینکه خداوند مالک حقیقی انسان‌ها و بلکه همه هستی است و اوست که عقلاً حق دارد برای حاکمیت خویش در زمین جانشینانی تعیین کند و البته این کار را نیز کرده است. اما هیچ‌گاه برای حکومت ایشان از زور و اجبار استفاده نکرده و اختیار را به خود مردم واگذار کرده است. لذا آنچه از دیکتاتوری در ذهن برخی از مردم به خدا و دینش نسبت داده شده است اتهامی بسیار ناجوانمردانه است.

شریعت رفتار کند؛ خواه این رفتارها منجر به حفظ و بقای حکومتش شود یا بالعکس. امام حسن علیه السلام نیز وقتی به این نتیجه رسید که مردم او را حمایت نمی‌کنند با دست خویش از حکومت کناره‌گرفت و حکومت غیرشرعی را به حاکم فاسد واگذار کرد؛ و همین‌طور امام حسین علیه السلام زمانی که متوجه شد مردم از حمایت او دست کشیدند و مسلم بن عقیل را تنها گذاشته و باعث قتلش شدند، تصمیم گرفت از راهی که آمده برگردد اگرچه دشمنان راه را بر او بسته و او را مجبور به بیعت کردند و همین امر

آن‌ها باید متوجه باشند تنها راه نجات آن‌ها از دیکتاتوری، پناه‌بردن به انسان معصومی است که با علم الهی و عصمت الهی، آن‌ها را به بهترین‌ها در دنیا و آخرت متصل خواهد کرد و هرگونه تبعیت و وکالت به هر انسان غیرمعصوم و غیرمنصوصی باعث هلاکت آنان خواهد شد. انتخاب این افراد و صلاح و شایستگی این افراد برای رهبری و حکومت بر مردم آن قدر مهم است که حتی خود انبیای الهی نیز در انتخاب افراد شایسته، اهلیت ندارند؛ بلکه این انتخاب تنها توسط خود خداوند متعال اتفاق می‌افتد و انبیای الهی با تمامی علم و عصمتی که دارند بدون انتخاب خداوند قادر به تشخیص انسان سالم و صالح برای رهبری بر مردم نیستند، چه برسد به اینکه مردم غیرمعصوم بخواهند دست به انتخاب بزنند.

آمریکا همراهی می‌کنند. در واقع آنچه در دموکراسی اتفاق می‌افتد انتخاب آزاد در ابتدای امر حکومت است، اما به محض به حکومت رسیدن شخص یا حزب خاصی به قدرت، دیگر امانی برای آزادی همان رأی‌دهندگان نیست و باید پای رأی غلط خویش و سیاست‌های نادرست منتخبان خویش بسوزند و این همان مَثَل معروف است که می‌گوید: «آش کشک خالته بخوری پاته نخوری پاته». شاید بتوان گفت همین تناقضات و فهم همین استبداد نهفته در دموکراسی است که بسیاری از مردم ایران را از تشکیل حکومت دیگری می‌ترساند. مردمی که در عقبه ذهن خویش متوجه شده‌اند که شاید خروج از این حکومت به حکومت جدیدی منتهی شود که عواقب سیاست‌های غلط آن به مراتب بیشتر از آن چیزی باشد که امروزه در آن گرفتارند؛ ترس از وجود دیکتاتوری جدید یا گرفتار در آشی که خودشان قرار است آن را بپزند. به گفت‌وگویی که بین امام زمان علیه السلام و سعد بن

### دیکتاتوری همگام و همراه با دموکراسی

دعوای زرگری امروز مردم ایران برای خروج از دیکتاتوری راه به جایی خارج از استبداد نمی‌برد. کسانی که برای رسیدن به دموکراسی با دیکتاتوری مذهبی مقابله می‌کنند باید متوجه باشند که از چاله به چاه نیفتند. انسان برای رسیدن به آزادی از دموکراسی حمایت می‌کند، اما متوجه این نکته نیست که هرروزه بسیاری از مردم جهان در کشورهای دموکراتیک دست به اعتراضات می‌زنند. در واقع این جماعت با بسیاری از سیاست‌هایی که سیاستمداران‌شان اتخاذ کرده‌اند مخالف‌اند و در برخی از سیاست‌ها عرق شرم بر پیشانی مردمشان می‌نشیند؛ نمونه آن، مردمی از کشور آمریکا هستند که با سیاست‌های استعماری حاکمان‌شان مخالف‌اند و خواهان خروج نیروهای نظامی این کشور از کشورهای دیگر هستند و نیز حاکمان دیگر کشورها که در برخی از این تجاوزها با

پروردگارش هفتاد مرد را برگزید که در ایمان و اخلاص آنان شک نداشت، اما انتخابش بر منافقان واقع شد. خداوند عزوجل می‌فرماید: (وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا) (و موسی هفتاد مرد را برای میقات ما از قومش برگزید). وقتی می‌بینیم انتخاب کسانی که خداوند ایشان را برای پیامبری برگزیده است به جای صالح‌تر، فاسدتر را شامل شده، در حالی که خودش گمان داشت او صالح‌تر است نه فاسدتر، خواهیم دانست کسانی که از آنچه در سینه‌ها مخفی است و در ضمیر انسان‌ها پنهان است و باطن ایشان به آن بازمی‌گردد بی‌اطلاع‌اند حق انتخاب ندارند؛ و در جایی که انتخاب انبیا هنگامی که به دنبال اهل صلاح بودند بر اهل فساد واقع گردیده است [دیگر] انتخاب مهاجرین و انصار هیچ ارزشی ندارد.»

لذا از مردمی که نسل‌اندنسل با قرآن و روایات بزرگ شده و رشد کرده‌اند بعید است که در بحبوه رسیدن امر امام مهدی علیه السلام در عصر ظهور، فرستاده ایشان را تنها گذاشته و خودشان به هر حزب و گروهی چنگ بزنند و متوجه این خطر بزرگی که تهدیدشان می‌کند نباشند.

عبدالله پیش آمد دقت کنید: «مولای من، علتی را که مانع می‌شود مردم برای خودشان امام برگزینند به من بفرمایید؟ حضرت فرمود: «[امام] مُصَلِح (اصلاحگر) یا مُفْسِد (فسادگر)؟» گفتم: مصلح. فرمود: «آیا ممکن است انتخابشان شخص مفسد باشد؛ چراکه هیچ‌کس نمی‌داند چه صلاح و فساد به ذهن دیگری خطور می‌کند؟» گفتم: بله. فرمود: «پس این همان علتی است که تو با استدلال و برهانی که عقلت قبولش دارد تأییدش کردی.»

گفتم: بله. فرمود: «از فرستادگانی که خداوند آنان را برگزید و کتاب‌ها [ی آسمانی] بر آنان نازل فرمود و ایشان را با وحی و عصمت تأیید کرد به من بگو؛ آنان که عالم‌ترین اشخاص امت‌ها بودند، و کار به آنجا رسید که باید انتخاب می‌کردند؛ از جمله موسی و عیسی. آیا ممکن بود با وجود وفور عقل و علم کاملی که داشتند شخص منافقی را انتخاب کنند در حالی که خودگمان داشتند مؤمن بوده است؟» گفتم: نه. فرمود: «این موسی کلیم‌الله است که با وجود عقل وافر و علم کامل و نزول وحی بر او از میان بهترین‌های قوم و سرشناسان لشکرش برای ملاقات

آری، باید به مردی از جنس  
و نسل حسین بن علی علیه السلام اعتماد  
کرد که حتی در گودی قتلگاه به فکر  
هدایت مردم بود. مردی که با وصیت  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ظلمات این روزهای جاری، مردم  
را دعوت می‌کند: «إِيَّاكَ وَ شِذَازًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَإِنَّ  
لِآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ زَايَةً وَ لِيَغْيِرَهُمْ زَايَاتِ فَالزَمِ الْأَرْضَ وَ لَا تَتَّبِعْ  
مِنْهُمْ رَجُلًا أَبَدًا حَتَّى تَرَى رَجُلًا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مَعَهُ عَهْدُ نَبِيِّ  
اللَّهِ وَ زَايَتُهُ وَ سَلَاخُهُ» امام باقر علیه السلام به جابر جعفی می‌فرماید:  
«بر حذر باش از معدود افرادی از خاندان محمد صلی الله علیه و آله (سادات)؛  
پس همانا برای محمد و علی تنها یک پرچم است و برای  
دیگران پرچم‌ها. پس بر زمین بچسب و از احدی  
از آنان تبعیت نکن تا اینکه مردی از فرزندان  
حسین را ببینی که وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و  
پرچم و سلاحش با اوست.»

### پانوشتها

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۷۳.
۲. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۸۴.
۳. رک: سید احمد الحسن، حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم.
۴. تفسیر عیاشی، ج ۱ ص ۶۵.

# مهدیین دوازده‌گانه از اولاد امام مهدی علیه السلام، در نگاه علما و محققان مهدویت

نویسنده: نعیم احمدی

اقسمت ششم (آخر)

بررسی آرای سید رشیدالدین حسینی، محمد امینی گلستانی،  
مهدی حمد فتلاوی، رزق خلیل، علی اصغر رضوانی

## ۱۲- سید رشیدالدین حسینی

از سید رشید الحسینی، وکیل سید علی سیستانی در عراق، در برنامه‌ای تلویزیونی، سؤال می‌شود که عین این مکالمه را ذکر می‌کنیم:

«سؤال کننده: سؤال درباره امام مهدی علیه السلام است؛ و اینکه می‌دانیم هیچ امامی را جز امامی دیگر دفن نمی‌کند؛ [۱] پس وقتی امام مهدی علیه السلام وفات کند، چه کسی ایشان را دفن می‌کند؟

سید رشیدالدین الحسینی: امام معصوم را کسی دفن نمی‌کند، مگر امام معصومی دیگر؛ درست است؟

سؤال کننده: بله، درست است. یعنی وقتی امام مهدی علیه السلام از دنیا برود یا به شهادت برسد، چه کسی ایشان را دفن می‌کند؟

سید رشیدالدین الحسینی: احسنت بر شما. خداوند به شما جزای خیر بدهد. درود بر شما. امام را کسی دفن نمی‌کند مگر امامی دیگر. اما اگر امام مهدی علیه السلام از دنیا برود، چه کسی ایشان را دفن می‌کند؟ در حقیقت، این مسئله برای ما، به‌طور کامل، به‌شکلی که به قطع و یقین بگوییم که تدفین امام چگونه و توسط چه کسی است،

واضح نیست. [اما در پاسخ به این سؤال می‌گوییم] اولاً امام مهدی علیه السلام خاتم ائمه است و امامت دوازده‌گانه با حضرت مهدی علیه السلام به اتمام می‌رسد؛ اما وقتی امام عصر علیه السلام از دنیا برود، مهدیین بعد از او هستند. بعد از ایشان هستند، نه قبل از ایشان. بعضی‌ها می‌گویند مهدیین قبل از امام زمان علیه السلام هم هستند؛ خیر، مهدیین بعد از امام زمان علیه السلام می‌آیند و این مهدیین کسانی‌اند که عهده‌دار دفن امام مهدی علیه السلام می‌شوند و نیز ولایت ایشان و حکومت مبارک ایشان را برعهده دارند؛ و بدین‌گونه بعد از امام زمان علیه السلام امامی نخواهد بود؛ زیرا امام زمان علیه السلام خاتم اوصیاست و خاتم ائمه است؛ بله و آن کسی که امام زمان علیه السلام را دفن می‌کند مهدی اول از مهدیین است که بعد از امام زمان علیه السلام است و حکومت می‌کند.» [۲]

طبق اظهارات وکیل مرجع اعلاای عراق، گرچه به‌شکل صددرصدی نمی‌توانیم بگوییم امر تدفین امام چگونه است، اما طبق روایات اهل بیت علیهم السلام، مهدیین بعد از امام زمان علیه السلام حکومت خواهند کرد و امر تدفین امام دوازدهم را مهدی اول از این مهدیین برعهده خواهد داشت. این اظهارات به‌طور ضمنی دلالت می‌کند که مهدی اول و مهدیین امامانی معصوم هستند؛ زیرا

وجود دارد، اجمالاً به تحلیل این اقوال و روایات آن می‌پردازد که ما به‌طور خلاصه، عبارات ایشان را نقل می‌کنیم:

«به‌طور خلاصه بعد از رحلت قائم علیه السلام» اخبار دوازده مهدی و دوازده امام و رجعت امام حسین علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام، به‌خصوص آمدن امیرالمؤمنین علیه السلام به دفعات و کرات و با عنوان «دابة الارض» و سلطنت ۵۰ هزارساله رسول خدا صلی الله علیه و آله و ۴۴ هزارساله امیرالمؤمنین علیه السلام و کمک همه انبیا به او یا هیچ‌کدام، بلکه با وفات «قائم علیه السلام» چهل روز بعد قیامت برپا می‌شود، از مشکلات اخبار و غوامض آثار و مطالبی است که به تحقیق و بررسی بیشتر نیاز دارد که در این مختصر مجال نیست... روایات مهدیون تصریح دارد که امامت در درجه اول با خود آن‌ها خواهد بود؛ چون عبارت «إِذَا حَضَرَتِ الْوَفَاةُ (یعنی القائم علیه السلام) فليسلمها إلی ابنه أَوَّلَ المهدیین [یعنی زمانی که وفات امام مهدی برسد آن را به فرزندش که اولین مهدیین است تحویل می‌دهد]؛ یا در روایت حبة العرنی آمده است:... امیر مؤمنان علیه السلام به‌سوی حیره بیرون رفت و فرمود: «البته در حیره مسجدی بنا کند که دارای ۵۰۰ درب باشد. جانشین «قائم علیه السلام» در آن نماز می‌خواند؛ چون مسجد کوفه برای آن‌ها، تنگ می‌شود و در آن دوازده امام عدل (بعد از قائم علیه السلام) نماز خواهد خواند! ... تا آخر خبر. یا عبارت دعا «و الأئمة من ولده» ائمه از اولاد او با تأویل علامه مجلسی قدس سره (که دوازده مهدی همان دوازده امام است) سازگار نیست؛ چون ائمه علیهم السلام پدران بزرگوار مهدی موعود علیه السلام هستند، نه اولاد او.

بلکه قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام و در آستانه ظهور ایشان نیز حضور دارد که همان یمانی موعود است که برای زمینه‌سازی ظهور پدرش قیام می‌کند.

و اما در پاسخ به اینکه امام دوازدهم خاتم ائمه یا خاتم اوصیاست، اگر منظور وکیل مرجع اعلاى عراق این است که مهدیین علیهم السلام امام هستند، اما نه به این معنا که در زمره امامان دوازده‌گانه باشند، ما هم با او هم‌عقیده هستیم؛ اما اگر مهدیین را امام نمی‌داند، باید توضیح دهد که در این صورت، چطور می‌خواهد تناقضی را که در کلام خودش هست رفع کند؟! زیرا از یک‌سو معترف است که امام معصوم را جز امام معصوم دفن نمی‌کند و از سوی دیگر بیان می‌کند که مهدی اول، امام دوازدهم را دفن می‌کند؛ آیا این سخن معنایی جز این دارد که مهدی اول نیز امام معصوم است؟! و نیز باید توضیح دهد که اگر مهدیین علیهم السلام امام یا وصی نیستند، پس تکلیف ما با روایات متواتری که دلالت دارد زمین هیچ‌گاه از امام و حجت خدا خالی نیست تا خلق را به راه راست هدایت کند و امور دین و دنیای آنان را برعهده بگیرد چه می‌شود؟ طبق گفته او مگر نه اینکه بعد از امام مهدی علیه السلام مهدیین می‌آیند؟! پس در این برهه از زمان، چه کسی جز مهدیین، حجت خدا و امام بر خلق خواهد بود؟

### ۱۳- محمد امینی گلستانی

محمد امینی گلستانی، از عالمان حوزه علمیه و نویسنده کتب متعدد دینی، در کتاب «سیمای جهان در عصر امام زمان»، با ذکر اقوالی که درباره پس از وفات امام مهدی علیه السلام

طبق آنچه وکیل سیستانی به آن معترف است، امام معصوم را جز امام معصوم دفن نمی‌کند؛ پس اگر مهدی اول عهده‌دار دفن امام مهدی علیه السلام شود، ضرورتاً باید مهدی اول نیز امامی معصوم باشد.

**سید رشیدالدین حسینی بر دو مطلب نیز تأکید می‌کند: یکی اینکه مهدیین بعد از امام زمان علیه السلام می‌آیند نه قبل از ایشان، و دیگری اینکه امام زمان علیه السلام خاتم اوصیا و خاتم ائمه دوازده‌گانه است.**

در بررسی این اظهارات می‌گوییم: آری، درست است که زمان حکومت مهدیین دوازده‌گانه بعد از وفات امام مهدی علیه السلام آغاز می‌شود، اما دلایل زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد مهدی اول از مهدیین دوازده‌گانه، وصی امام مهدی علیه السلام و همان یمانی موعود است که پیش از ظهور مقدس، برای زمینه‌سازی ظهور پدرش قیام می‌کند که در کتاب‌های انصار امام مهدی علیه السلام، به تفصیل دلایل آن مطرح شده است؛

و در اینجا اجمالاً می‌گوییم اگر قرار باشد مهدی اول، امام دوازدهم را پس از وفات ایشان دفن کند، به حکم عقل باید در زمان حیات امام دوازدهم در قید حیات باشد، و از آنجا که بنا بر حدیث وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله، ایشان اولین مؤمنان به امام مهدی علیه السلام معرفی شده است. یعنی اولین کسی است که هنگام ظهور امام مهدی علیه السلام به ایشان ایمان می‌آورد پس پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام نیز در قید حیات است؛ در نتیجه مهدی اول از این مهدیین فقط پس از امام مهدی علیه السلام ظاهر نمی‌شود،



انبیا و ائمه علیهم‌السلام خواهد بود و تا آخر دنیا حکومت خواهند کرد. (الامام المهدي و اليوم الموعود، ص ۵۹۷) اگر رزق خلیل معتقد باشد که در فاصله بین وفات امام دوازدهم و رجعت اهل بیت علیهم‌السلام، مهدیین حکومت خواهند کرد لاجرم باید بپذیرد مهدیین از حجت‌های معصوم الهی هستند؛ زیرا از اصول مهم عقیدتی و مسلم شیعه این است که زمین خالی از حجت خداوند نیست.

### ۱۶- علی اصغر رضوانی

علی اصغر رضوانی (نویسنده و محقق مهدویت و استاد در مرکز تخصصی مهدویت) ذیل عنوان «رهبران جهان بعد از امام زمان علیهم‌السلام» می‌نویسد:

«از امام زمان علیهم‌السلام نقل شده که در دعایی این چنین عرضه می‌دارد: ... و صل علی ولیک و ولاة عهده و الأئمة من ولده ... و بر ولیات و والیان عهدش و امامان از اولاد او ... درود فرست. [۳] از این عبارت استفاده می‌شود که والیان عهد امام زمان علیهم‌السلام و امامان بعد از او از اولاد وی هستند و این منافاتی با رجعت اهل بیت علیهم‌السلام خصوصاً امام حسین علیهم‌السلام ندارد.» (دین‌شناسی از دیدگاه حضرت مهدی، ص ۲۴۷) اینکه علی اصغر رضوانی ذیل تیتراژ «رهبران جهان بعد از امام زمان علیهم‌السلام» این عبارت از امام رضا علیهم‌السلام را نقل می‌کند معنایش این است که از دید ایشان، امامانی از اولاد امام مهدی علیهم‌السلام رهبران جهان بعد از امام مهدی علیهم‌السلام هستند و البته طبق برداشت خودشان، رجعت را مقارن با حضور این امامان می‌داند که نادرست است؛ زیرا رجعت اهل بیت علیهم‌السلام بعد از اتمام حکومت مهدیین آغاز می‌شود. در هر حال

**ناگفته نماند که این سخن ایشان که «روایات مهدیین متواتر نیستند» از اساس غلط بوده و ظاهراً منشأ آن، اطلاع‌نداشتن ایشان از انبوه روایاتی است که درباره مهدیین و مهدی اول در منابع شیعه و سنی نقل شده است که یقیناً متواتر محسوب می‌شوند.**

### ۱۴- مهدی حمد فتلاوی

مهدی حمد فتلاوی (روحانی پژوهشگر در زمینه مهدویت در کشور عراق) در دو کتابش به نام‌های «علامات المهدی المنتظر علیهم‌السلام» و «فی خطب الإمام علی علیهم‌السلام» و نهج‌الخلاص، در بابی با عنوان «ما یکون بعد دولت علیهم‌السلام»: آنچه بعد از دولت امام مهدی علیهم‌السلام خواهد بود» حدیث وصیت را ذکر کرده است؛ و در مقدمه کتابش تصریح کرده که به صحت احادیثی که نقل کرده معتقد است و گفته اگر حدیثی را نامعتبر بداند در متن کتاب به آن تذکر می‌دهد؛ حال آنکه هیچ تعلیق یا رد یا تأویلی از حدیث وصیت را ذکر نکرده که ظاهراً دلالت می‌کند مضمون حدیث وصیت را پذیرفته است و حدیث وصیت نیز دلالت می‌کند که بعد از امام دوازدهم، مهدیین دوازده‌گانه خواهند بود.

### ۱۵- رزق خلیل

رزق خلیل (روحانی و نویسنده معاصر شیعی و مسئول فرهنگی و روابط بین‌الملل در لبنان) می‌نویسد: «حکومت مهدی علیهم‌السلام در زمان حیاتش و بعد از آن تا آخر دنیا ادامه خواهد داشت؛ چراکه بعد از او، مهدیین از فرزندان حکومت می‌کنند، و سپس رجعت برخی از

نظریه دیگری نیز وجود دارد که طبق بیان شیخ مفید قدس سره: «بعد از دولت قائم علیهم‌السلام برای احدی دولتی نیست، مگر روایاتی که درباره قیام برخی فرزندان او (در مقام او) آمده است ان شاء الله. اما (این روایت‌ها) با قطعیت و ثبوت وارد نشده است و اکثر روایات این است که «مهدی علیهم‌السلام» از دنیا نمی‌رود، مگر چهل روز پیش از قیامت و در آن چهل روز هم هرج و مرج و علامت خروج مردگان و قیام قیامت برای حساب و پاداش خواهد بود و خدا می‌داند.» ... چنان که ملاحظه نمودید، عبارات روایات که با تأکید می‌فرماید: «لیملکنّ منّا أهل البيت رجل» یا «فلیسلّمها إلی ابنه اول المهدیین» گویای خلاف این بیان است و با آن نظریه هم‌خوان نیست، مگر اینکه چنین روایت‌ها از نظر فقی و رجالی مردود شناخته شود.

اکنون می‌توان گفت اگرچه روایات صالحین یا مهدیون از نظر سند رجالی و فقی متواتر نیست و با قطع و یقین چیزی را ثابت نمی‌کند، ولی همین مقدار هم که هست برای اثبات تاریخی ماجرا صلاحیت دارد و برای پذیرش مطلب مذکور کفایت می‌کند...» (سیمای جهان در عصر امام زمان (عج)، ج ۲، ص ۳۸۷ تا ۳۸۹)

**آن‌طور که از سخنان محمد امینی گلستانی پیداست، گرچه ایشان در جمع روایات مهدیین و رجعت به قطعیت نرسیده است، اما ظاهر کلام ایشان نشان می‌دهد که آمدن مهدیین را صحیح‌تر می‌داند و در نتیجه به این متمایل است که بعد از وفات امام دوازدهم، مهدیین دوازده‌گانه‌ای می‌آیند که دارای مقام امامت هستند؛ آنجا که می‌گوید گرچه روایات مهدیین متواتر نیستند اما برای اثبات تاریخی این مسئله صلاحیت دارند.**

آنچه محل شاهد ماست، این است که ایشان به وجود امامانی از اولاد امام دوازدهم که بعد از ایشان می‌آیند معترف است.

۱. اینکه هیچ امامی را جز امامی دیگر دفن نمی‌کند مطلبی است که در روایات متعددی به آن اشاره شده است.  
۲. الامام لا یدفنه الا امام و الامام الحجة من یدفنه اذا رحل؟ واقع الحال هذه المسئلة غیرمتضحة بشكل حتى يقول أحد بضرس قاطع سیدفن کذا. الأول: الامام هو خاتم الأئمة و تنتهی الإمامة الاثنا عشریة بالمهدی المنتظر<sup>ع</sup>؛ فاذا مات الامام فالمهدیین من بعده؛ من بعده، ما من قبله. یكون کلام یقول المهدیین قبل الامام. المهدیون الذین سیأتون بعد الامام المهدی هم الذین سیتولون امر دفنه و ولایتہ و ما یترتب علی دولته المبارکة؛ لذلك الامام<sup>ع</sup> لیس من بعده الامام لأنه خاتم الاوصیاء و خاتم الأئمة. نعم من یدفنه هو المهدی اول من المهدیین الذین سیأتون بعد الامام المنتظر<sup>ع</sup>.  
لینک آدرس:



۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲.



## ﴿بگو من بدعتی از فرستادگان نیستم﴾

# سلسله پاسخ‌هایی به بدعت ۱۰۱ یوحنا دمشقی

## قسمت دوازدهم | بطلان قانون دمشقی دربارهٔ حقانیت کتب الهی به قلم: آندریاس انصاری

مگر سایر کتب عهد قدیم با همان قانونی که دمشقی وضع کرده است، به دست یهودیان رسید؟! مثلاً آیا شایسته نبود که خدا با کتاب حزقیال - که خود دمشقی آن را قبول داشت - چنان می‌کرد که دمشقی انتظار داشت تا یهودیان به این فکر نیفتند که این کتاب را حذف کنند؟! در تلمود می‌خوانیم:

«راو یهودا گوید راو گوید: آن مرد به نیکی یاد می‌شود و حنینا پسر حزقیال نام اوست. اگر به خاطر او نبود، کتاب حزقیال حذف می‌شد؛ زیرا محتوای آن با اظهارات تورات در تضاد است. چه کرد؟ سیصد کوزه نفت آورد و در طبقهٔ بالا نشست و اندرزگونه تفسیر کرد.» [۱]

همچنین همین سؤال را دربارهٔ سایر کتب می‌توان پرسید! زیرا پیش‌تر در قسمت سوم و پانوشت ۶ و ۹ از اختلاف پدران مقدس یوحنا دمشقی با هم و حتی خود دمشقی با آنان دربارهٔ کتب مقدس گفته شد! آن‌ها در قبول برخی کتب با یکدیگر اختلاف داشتند! آیا معیار آن‌ها برای قبول کتب، قانون دمشقی بود یا معیار دیگری؟

اگر خدا بخواهد در این قسمت سخنان دمشقی را در چند محور تقدیم می‌کنم و سپس به یاری خدا پاسخ می‌دهم.

### ■ محور اول: پاسخ به اشکالی در باب نزول قرآن

دمشقی در ادامه می‌گوید:  
«سپس، وقتی که ما می‌گوییم: چگونه است که این پیامبر شما به روش مشابه نیامد، با دیگرانی که به او شهادت بدهند؟ و چگونه است که خداوند در حضور شما، کتابی را که شما به آن اشاره می‌کنید، به این مرد اعطا نکرده، همان‌گونه که شریعت را در حضور مردم نگریسته به [آن] و دود برخاسته از کوه به موسی داد، تا شما نیز، یقین داشته باشید؟» پایان نقل قول.

دمشقی قانونی را دربارهٔ کتب وضع کرده است؛ اینکه یک کتاب باید در حضور مردم توسط خدا اعطا شود تا یقین حاصل شود که آن حق و از جانب خداست؛ اما چند نکته:

اصلاً چگونه خود دمشق به سایر کتب پیامبران در عهد قدیم یقین پیدا کرد در حالی که آن ویژگی‌هایی را که او در قانون وضع شده‌اش گنجانده است دارا نیستند؟!

می‌بینیم که دمشق انصاف ندارد و اینجا ضرب‌المثل «یک بام و دو هوا» بر او و رفتار ناعادلانه‌اش صدق پیدا می‌کند. نه تنها این، بلکه او حتی به کتب انبیای خدا و حتی عهد جدید نیز یقین ندارد و بس.

### ■ محور دوم: دمشق و نقض سخن پیشین خود

به دقت به سخن دمشق توجه کنید:

«آن‌ها پاسخ می‌دهند که خدا هرچه بخواهد انجام می‌دهد. ما می‌گوییم، ما این را می‌دانیم، ولی ما می‌پرسیم که چگونه این کتاب به پیامبران نازل شد.» پایان نقل قول.

**نکته جالب اینجاست** که دمشق این موضوع را می‌داند و به آن اقرار می‌کند که برای خدا این امکان وجود دارد که هرچه بخواهد انجام دهد! و این نشانه دیگری از بی‌انصافی او در برخورد با دعوت محمد ﷺ است؛ زیرا او با دانستن این حقیقت که خدا می‌تواند هرطور که بخواهد کتاب را نازل کند، سعی می‌کند با ارائه یک قیاس، مسلمانان را نسبت به قرآن بدبین کند! برای این کار او چه توصیفی را می‌توان به کار برد؟

### ■ محور سوم: کیفیت وحی بر محمد ﷺ

دمشقی در ادامه می‌گوید: «ما می‌گوییم، ما این را می‌دانیم، ولی می‌پرسیم که چگونه این کتاب

به پیامبران نازل شد. بعد پاسخ می‌دهند که 'وقتی او در خواب بوده کتاب بر او نازل شد.' سپس ما به مزاح به آن‌ها می‌گوییم 'تا زمانی که کتاب را در خوابش دریافت کرده، و بالفعل اثری را تجربه نکرده، آن موقع، ضرب‌المثل مشهور برای او به کار می‌رود که می‌گوید: دارید برای من رؤیا می‌بافید.' پایان نقل قول.

می‌گوییم:

**الف.** این خبر یا اشتباه به دمشق رسیده است یا اینکه او حقیقت را می‌دانست! در هر صورت، آغاز وحی بر محمد ﷺ از طریق رؤیا بود؛ [۲] سپس بعد از آن در بیداری و آگاهی بود؛ [۳] همان‌طور که دکتر علاء سالم در کتاب خود از سید احمدالحسن نقل می‌کند و احادیث را تقدیم می‌کند. [۴]

**ب.** اما موضوع بسیار عجیبی که جا دارد مسیحیان به آن دقت زیادی کنند این است که او سعی در بی‌اعتبار نشان دادن وحی از طریق رؤیا در خواب داشت؛ پس اینجا رؤیای دانیال ﷺ را که ادعای ایمان به او و کتابش را داشت. یادآور می‌شوم؛ رؤیایی که او درباره آخرالزمان و منجی دید؛ در ابتدای فصل می‌خوانیم:

(در سال اول بلشصر پادشاه بابل، دانیال در بسترش خوابی و رؤیاهای سرش را دید. پس خواب را نوشت و کلیه مطالب را بیان نمود. \* پس دانیال متکلم شده، گفت: «شبگاهان در عالم رؤیا شده، دیدم که ناگاه چهار باد آسمان بر روی دریای عظیم تاختند...») [۵]

بنابراین از دید دمشق فصل هفتم

از کتاب دانیال باید خارج شود! چراکه دمشق چنین وحی را قبول ندارد و آن نمی‌تواند برای مردم حجت باشد!

و می‌گوییم اگر او جای یوسف نجار بود جان عیسی ﷺ را نجات نمی‌داد؛ [۶] چراکه یوسف از طریق عمل به رؤیا، جان عیسی ﷺ را نجات داد! یا اگر او جای فرعون بود به خواب اهمیتی نمی‌داد و ملت مصر را از گرسنگی می‌کشت. [۷] به گمانم کسی که کتاب مقدس را خوانده باشد اساساً متوجه می‌شود که دمشق در راه صحیحی قرار ندارد!

### ■ محور چهارم: قرآن و معیار عیسی ﷺ

دمشقی در ادامه می‌گوید:

«وقتی ما دوباره می‌پرسیم: 'چگونه است که وقتی او در این کتاب شما، ما را سفارش کرده که هیچ کاری را بدون شهود انجام ندهیم یا نپذیریم، شما از او نپرسیدید: ابتدا آیا خودت به ما به وسیله شهود نشان می‌دهی که تو پیامبر هستی و اینکه تو از طرف خدا آمده‌ای؟ و فقط به ما نشان بده چه متونی هستند که درباره تو شهادت می‌دهند' آن‌ها خجل می‌شوند و سکوت می‌کنند. 'با آنکه شما نمی‌توانید بدون شاهدان زنی را به نکاح دریاورید یا بخرید یا مالی به دست آورید؛ با آنکه شما بدون شاهد نه یک الاغ را می‌گیرید، و نه یک حیوان بارکش را مالک می‌شوید؛ و با آنکه شما از طریق شواهد، زن‌ها و مال و اموال و الاغ‌ها و... را مالک می‌شوید، با این حال، فقط این ایمانتان و کتاب مقدستان است که اثبات نشده با شواهد، نگه می‌دارید؟ زیرا آن کسی که این را به دست شما داد، نه

آزاداندیشی متوجه می‌شود.

### پانوشتها

۱. تلمود بابلی: منحوت ۴۵ الف: ۱۹.
۲. «... پیامبر ﷺ در ۳۷ سالگی در خواب می‌دید که گویی شخصی نزد او آمده و می‌فرماید: ای رسول خدا؛ و او در میان کوه‌ها بود و چوپانی می‌کرد. گفت: من جبرئیل هستم، خدا مرا نزد تو فرستاد تا تو را به پیامبری برسانم و رسول خدا ﷺ آن را کتمان می‌کرد...» (بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء، المجلسي، ج ۱۸، ص ۱۸۴)
۳. احوال گوید از امام باقر ﷺ درباره رسول و نبی و محدث پرسیدم، فرمود: «رسول کسی است که جبرئیل پیشش آید و او را ببیند و با او سخن گوید، این است رسول؛ و اما نبی آن است که در خواب ببیند؛ مانند خواب دیدن ابراهیم و مانند آنچه رسول خدا ﷺ پیش از آمدن وحی از اسباب و علائم نبوت می‌دید تا آنکه جبرئیل رسالت را برای او از جانب خدا آورد؛ و محمد ﷺ هنگامی که نبوت برایش فراهم گشت و رسالت از جانب خدا برای او آمد، جبرئیل برایش پیغام می‌آورد و روبه‌رو با او سخن می‌گفت. بعضی از انبیا نبوت برایش جمع شود و در خواب ببیند و روح القدس نزدش آید و با او سخن گوید و بازگو نماید، بدون آنکه در بیداری ببیند؛ اما محدث آن است که خبر داده شود، صدا را بشنود ولی نه مشاهده کند و نه در خواب ببیند.» (الکافی، ط الاسلامیه، الشیخ الكليني، ج ۱، ص ۱۷۶، ح ۳)
۴. دفاع از رسول، فصل ۲، شبهه ۷، متن عربی، ص ۷۳ و ۷۴.
۵. دانیال ۷: ۱-۲.
۶. رک. متی ۲: ۱۳-۱۴.
۷. رک. پیدایش، فصل ۴۱.
۸. عقاید اسلام، خلافت محمد ﷺ، دوم: علم و حکمت، ص ۱۶۶ تا ۱۷۱.
۹. لوقا ۱۷: ۱۱-۱۸.
۱۰. عقاید اسلام، خلافت محمد ﷺ، دوم: علم و حکمت، ص ۱۷۰.
۱۱. نحل: ۱۲۵.
۱۲. نساء: ۳۶.
۱۳. لقمان: ۱۸.
۱۴. حدید: ۲۳.

### برخی از آیاتی را که سید احمد الحسن در کتابش تقدیم کرده است می‌آورم:

(با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به آنچه نیکوتر است مجادله نما. در حقیقت پروردگار تو به کسی که از راه او منحرف شده است، داناتر و او به راه‌یافتگان داناتر است). [۱۱]

(و خدا را بیرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و هم‌نشین و در راه مانده و بردگان خود؛ زیرا خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است، دوست نمی‌دارد). [۱۲]

(و از مردم رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند فخر فروش را دوست نمی‌دارد). [۱۳]

(تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به آنچه به شما داده است شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد). [۱۴]

آری؛ اگر مسیحیان سخن عیسی ﷺ را مقیاس یا معیاری جهت مشخص شدن حقیقت قرآن قرار دهند، جز این نمی‌بینند که قرآن از سوی خداست، نه از شیطان.

### ختم کلام

در این قسمت مشخص شد یوحنا ی دمشق با اشکالاتی که بر قرآن می‌گیرد، نه تنها خدشه‌ای را متوجه آن نمی‌کند، بلکه دوری خود از مسیر صحیح را اثبات می‌کند؛ و معتقدم این فاصله دور را هر انسان منصف و

هیچ ضمانتی از هیچ منبعی دارد، و نه هیچ فرد شناخته شده‌ای وجود دارد که درباره او، قبل از اینکه او بیاید شهادت داده باشد؛ برعکس، او در حالی که در خواب بوده، آن را دریافت کرده است. پایان نقل قول. می‌گویم:

پاسخ اینکه کدام یک از پیامبران به حقانیت محمد ﷺ گواهی می‌دهد و چه کسی به حقانیت قرآن شهادت می‌دهد، در قسمت دهم موجود است و به اندازه‌ای هست که برای هر مسیحی منصفی کفایت می‌کند.

همچنین می‌گویم شاید بسیاری از مسیحیان قرآن را از جانب شیطان می‌دانند، نه از سوی خدا! پس قصد دارم از علم سید احمد الحسن استفاده کنم؛ چراکه او پاسخ این اشکال را ارائه فرمود. [۸]

در انجیل می‌خوانیم:

(... هر مملکتی که بر خلاف خود منقسم شود، تباه گردد و خانه‌ای که بر خانه منقسم شود، منهدم گردد. \* پس شیطان نیز اگر به ضد خود منقسم شود، سلطنت او چگونه پایدار بماند...). [۹]

### سید احمد الحسن می‌گوید:

«آیا لازم نیست مسیحیان این سخن را ملاک قرار دهند و مطالب قرآن را مقایسه کنند تا دانسته شود که قرآن از سوی خداست؟»

آیا این همان مقایسه عیسی ﷺ نیست؟ پس چرا از آن روی گردان هستند؟ جز آنکه به قسمتی از کتاب، ایمان داشته باشند و به قسمتی دیگر کفر ورزند؟ [۱۰]

# مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام!

فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،

سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان!

فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان!

تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای اهل سنت!

آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین!

منجی بشریت با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.